

## ضعف های دکتور اشرف غنی احمدزی و برتری های دکتور عبدالله

### محمد اکرام اندیشمند

دکتور اشرف غنی احمدزی در مقایسه با دکتور عبدالله که هر دو برای احراز مقام ریاست جمهوری در دور دوم انتخابات به رقابت می پردازند، ده نکته ضعیف را در این رقابت با خود حمل می کند؛ در حالی که رقیب او، در این نکات ده گانه برتری دارد:

#### 1 - بیماری:

دکتور اشرف غنی احمدزی با بیماری معده دست و پنجه نرم می کند و گفته می شود که بصورت مداوم از ادویه استفاده می کند. اما بر عکس وی، رقیب او دکتور عبدالله از صحتمندی کامل برخوردار است.

#### 2 - کهولت سن:

دکتور اشرف غنی احمدزی دارای سن بیشتر است. در حالی که دکتور عبدالله از او جوانتر می باشد. ظرفیت کاری و توانایی اشرف غنی احمدزی با سن بالا و ضعف جسمی ناشی از بیماری و کبرسن در کرسی ریاست جمهوری بسیار کمتر از دکتور عبدالله خواهد بود. مهم ترین نشانه ناتوانی دکتور اشرف غنی احمدزی در مبارزات دور نخست انتخابات در هرات به چشم خورد. او دچار ضعف شدید و بیهوشی شد و یک روز در حالت وخیم صبحی به سر برد.

#### 3 - عصبانیت و پرخاشگری:

دکتور اشرف غنی احمدزی، آدم عصبی، پرخاشگر و احساساتی است. بگونه غیر طبیعی و غیر عادی، برافروخته و خشمگین می شود. نابدبار و انتقاد ناپذیر است. به سرعت و شدت واکنش قهر آمیز نشان میدهد. حتی در سخنرانیهای رسمی خود این عصبانیت، پرخاشگری و نابدباری را بروز میدهد. وی با چنین ویژگیهای ناقص و ضعیف در مسند ریاست جمهوری افغانستان به عنوان کشور فرو رفته در بحران، خود به عامل بحران تبدیل می شود. در حالی که دکتور عبدالله شخصیت آرام دارد و اهل مدارا و متحمل است.

#### 4 - سخنرانی نامطبوع و آزار دهنده:

دکتور اشرف غنی احمدزی بگونه غیرمطبوع و تخریش کننده سخنرانی می کند. او پس از دقایق کوتاه از یاد میبرد که سخنرانی اش از طریق لودسپیکر یا بلندگو برای مستمعینش در یک محفل بزرگ به آسانی شنیده می شود. سپس آنچه با صدای بلند می خواهد سخنرانی کند که حالت غیر مطبوع می گیرد و بر شنوندگان خود اثر منفی میگذارد. حرکات او در جریان سخنرانی نیز ملالت آور و غیرطبیعی است. شاید این مشکل وی ناشی از بیماری و عصبانیت او باشد. اما برای فردی که در مقام ریاست جمهوری قرار بگیرد ویژگی منفی و نامقبول است.

برخلاف موصوف، رقیب او دکتور عبدالله عبداللہ، سخنرانی‌ها و بیانات خود را آرام و بصورت طبیعی و راحت ارائه می‌کند و موجب ملالت نمی‌شود.

### 5 - تابعیت خارجی و همسر خارجی:

دکتور اشرف غنی احمدزی تابعیت امریکایی دارد. صرف نظر از اینکه او این تابعیت را پس از نامزدی بریاست جمهوری افغانستان از دست داده باشد یا نه، وی در حدود سه دهه را در غرب سپری کرده است. قانون اساسی، فردی را مسح ریاست جمهوری میداند که تنها تابعیت افغانستان را داشته باشد. افزون بر آن، همسر او خارجی غیر افغان با پیشینه متفاوت دینی است. این در حالی است که داشتن همسر خارجی با این ویژگی از نظر ذهنی و فرهنگی برای افکار عامه در افغانستان پرسش برانگیز می‌نماید. اما برخلاف اشرف غنی احمدزی، عبدالله عبداللہ تابعیت هیچ کشوری غیر از افغانستان را ندارد و سالهای عمر خود را هم در افغانستان سپری کرده است.

### 6 - عصیت قومی:

هرچند دکتور اشرف غنی احمدزی بصورت علنی در برنامه رسمی خود تعصب قومی و زبانی را نه گنجانیده است، اما نشانه‌های تعصب در رفتار و گفتار وی در طول مبارزات انتخاباتی اش به مشاهده رسید. این اظهار نظر غیر علمی وی که: در میان خارجی‌ها و حتی عالمان شان احمق زیاد است؛ اما افغان احمق وجود ندارد، از تمایلات تعصب آمیز او ریشه و انگیزه می‌گیرد. یکی از نشانه‌ها و تمایلات تعصب آمیز وی بر مبنای هویت قومی این است که او پیوسته از اتحاد فرزندان احمدشاه ابدالی و میروس خان هوتکی سخن می‌گوید و از جدایی به قول او میان فرزندان آنها هوشدار میدهد. در حالی که تمام اقوام افغانستان بر مبنای قانون اساسی از حق مساوی برخوردار هستند و هرگونه تبلیغ پرسش برانگیز بنام فرزندان احمدشاه و میرویس خان نه تنها با یکپارچگی و برابر حقوقی اتباع افغانستان متناقض است، بلکه این نوع تلقی و تبلیغ به معنی برتری جویی و برتر انگاری در جامعه چند قومی و متکثر افغانستان محسوب می‌شود. اما دکتور عبدالله رقیب انتخاباتی او در تمام افغانستان به وحدت ملی و حقوق شهروندی تأکید می‌کند و هیچگونه تعصب و تبعیض قومی و زبانی در اندیشه و رفتار او مشاهده نمی‌شود.

### 7 - مبالغه و تخیل پردازی:

دکتور اشرف غنی احمدزی علی‌رغم تحصیلات اکادمیک و زندگی در جامعه غربی، وعده‌های انتخاباتی خود را با مبالغه و خیال پردازی‌های غیر عملی و بدور از واقع‌گرایی ارائه می‌کند. بگونه مثال، او از اشتغال زایی برای میلیونها بیکار و اعمار بیش از یک میلیون خانه در افغانستان سخن می‌گوید. حتی رؤسای جمهور در پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی جهان نمی‌توانند اشتغال آفرینی چند میلیونی در یک دور محدود حکومت خویش ایجاد کنند. در حالی که افغانستان یکی از فقیرترین و

نیازمند ترین کشورهای دنیا است. از سوی دیگر اشرف غنی احمدزی این ادعای خود را بصورت منطقی و مستدل ارائه نمی کند که او شغل چند ملیونی را در افغانستان چگونه و از کدام منابع و عواید و در کدام بخش های اجتماعی و اقتصادی ایجاد می کند؟ اما برخلاف، دکتور عبدالله نامزد رقیب او پیوسته به واقع گرایی تأکید می کند و می گوید که با سیاست وعده های غیر عملی و نامحتمل و روش پوپالیستی مخالف است و آنچه را که بسیار نامحتمل و غیر عملی باشد به مردم افغانستان وعده نمیدهد.

### **8 - ضعف پذیرش اجتماعی:**

اشرف غنی احمدزی دارای پذیرش گسترده اجتماعی تمام اقوام افغانستان نیست. آیا موصوف با این ضعف قادر خواهد شد تا اعتماد و اطمینان تمام اقوام را فراهم کند و وفاق ملی را در جامعه متکثر افغانستان شکل دهد؟ در حالی که او جنرال عبدالرشید دوستم را به عنوان معاون اول خود در تکت انتخاباتی برگزید و با او در دور اول کمپاین انتخاباتی به ولایات شمال افغانستان سفر کرد، اما جنرال مذکور را در سفر به ولایات جنوب نه تنها با خود نبرد، بلکه از نمایش تصویر های مشترک خود با وی نیز اجتناب ورزید. کسب آرای قابل ملاحظه برای اشرف غنی احمدزی در ولایات شمالی جوزجان، فاریاب، بدخشان و تخار در واقع رای به دوستم بود.

اما عبدالله عبدالله رقیب اشرف غنی احمدزی در تمامی ولایات افغانستان و از میان جوامع مختلف قومی، رای قابل ملاحظه بدست آورد. دکتور عبدالله با داشتن مادر تاجک پنجشیری و پدر پشتون قندهاری، ظرفیت و فرصت کسب اعتماد مردم را در تحقق وفاق و وحدت ملی افغانستان بیشتر دارد.

### **9 - بی اعتنایی و ناسازگاری با سیاست مدنی و جامعه شهروندی:**

دکتور اشرف غنی احمدزی برغم آنکه سه دهه عمر خود را در جامعه غربی به خصوص ایالات متحده امریکا سپری و با کسب عضویت شهروندی در آن جامعه مدرن تا سطح دکتورا تحصیل و تخصص یافته است، اما در سیاست افغانستان با شیوه های سنتی و متعارض با قواعد شهروندی و مدنی عمل می کند. او در مبارزات دور اول انتخابات ریاست جمهوری از مشکل خود با واژه شهروند سخن گفت. او در برنامه ها و مبارزات انتخاباتی خویش با نسخه قومی سازی سیاست وارد شد و در مرحله جدید مبارزات انتخاباتی به تعدیل قانون اساسی در جهت ایجاد معاونیت سوم برای قومیت تاجک تأکید کرد. او با این کار، اندیشه و پیام قومی سازی قدرت و سیاست را در افغانستان بجای ایجاد جامعه شهروندی و ملت شهروند ارائه داشت.

### **10 - عدم حضور در افغانستان و میان مردم:**

دكتور اشرف غنى احمدزى بيشتتر سالهاى عمر خود را در حساس ترين مقطع تاريخ افغانستان در سه دهه اخير سده بيستم در خارج از کشور سپرى کرده است. او هرگز در اين سالهاى سخت و دشوار، نه بار مقاومت و مبارزه با تجاوز نظامى شوروى را بدوش کشيد و نه بار مقاومت و مبارزه عليه تروريستم القاعده و طالب را که با حمايت و دخالت پاکستان انجام يافت. اما بر خلاف وي، دكتور عبدالله تمامى اين سالهاى دشوار را در داخل افغانستان و در سخت ترين شرايط سپرى کرد. مسلم است که برای مردم يك کشور، زمام دار قابل اعتماد، تبعه همان کشور است که در شرايط سخت و ناگوار در ميان مردم و داخل سرزمين خود به سر برده باشد.